

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 6, Summer 2020, 203-225
Doi: 10.30465/crts.2020.5489

A Book Critique of *Introduction to Iranian Crafts Workshops*

Samira Arab*

Seyyed Abdul Majid Sharifzade**

Abstract

It is difficult to speak and theoretically analyze the handicrafts, although it may sound easy. Crafts are a familiar and tangible thing in everyday life, so it would be obvious without any need to know and try to understand them. The book “*Introduction to Iranian Crafts Workshops*” was compiled by Fariba Mostafavi in Mehr Nowruz Publications in 2016. Although the book is generally a collection of invaluable high-quality illustrations to introduce to some handicraft workshops, like any scholarly work, it has some formative and content deficiencies that have been attempted to criticize it critically. This research has explained the relevance of the library to some non-scientific propositions that mislead the reader (artists) and move from one research to another. In this regard, the following shortcomings and critical comments will be expressed in each of the following issues.

Keywords: Crafts, Crafts Workshop, Artifacts, Criticism.

* Research Expert Institute of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts, PhD Student of Analytical and Comparative History of Islamic Art, Islamic Azad University, Central Tehran Branch (Corresponding Author), Samira-arab@yahoo.com

** Head of Research Institute of Traditional Arts, Member of Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, -a-majidsharifzade@yahoo.com

Date received: 2020-01-21, Date of acceptance: 2020-07-15

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره ششم، شهریور ۱۳۹۹، ۲۰۵-۲۲۵

نقد کتاب

آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران

سمیرا عرب*

سیدعبدالمجید شریف‌زاده**

چکیده

سخن‌گفتن و تحلیل نظری صنایع دستی در عین سهل‌بودن دشوار است. صنایع دستی امری آشنا و ملموس در زندگی روزمره است که بدون نیاز به شناساندن و تلاش برای فهمش هرگونه توضیحی در آن بدیهی به‌نظر می‌رسد. کتاب *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران* را فریبا مصطفوی در سال ۱۳۹۵ گردآوری کرده است و در انتشارات مهر نوروز به چاپ رسیده است. اگرچه این کتاب به‌طور کلی مجموعه‌ای از تصاویرهای ارزش‌مند با کیفیت مطلوب برای معرفی برخی کارگاه‌های صنایع دستی است، اما همانند هر اثر علمی دیگری کاستی‌های شکلی و محتوایی‌ای دارد که در این جستار سعی شده نقدی انتقادی بر آن نگاشته شود. در این پژوهش با تکیه بر روش کتاب‌خانه‌ای برخی گزاره‌های غیرعلمی آن که سبب گم‌راه‌شدن خواننده (هنرمندان) می‌شود و از پژوهشی به پژوهش دیگر منتقل می‌گردد تبیین شده است. در همین راستا، به کاستی‌ها اشاره می‌شود و نظرات انتقادی ذیل هریک از مباحث بیان خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: صنایع دستی، کارگاه صنایع دستی، مصنوعات هنری، نقد.

* کارشناس پژوهشی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)، Samira-arab@yahoo.com

** عضو هیئت علمی (استادیار) پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، رئیس گروه هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، s-a-majidsharifzade@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۵

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

صنایع دستی تاکنون از جنبه‌های تئوری و عملی بسیاری مورد توجه بوده و با موضوع‌های متعددی منتشر شده است. بررسی موضوع‌های بدیهی صنایع دستی، که با زندگی روزمره انسان عجین است، در عین سادگی دشوار است. تحلیل و تفسیر این صنایع دشوار و ممتنع به علت کاستی‌هایی در دانش نظری آن و ضعف‌هایی است که بسیار نادیده گرفته شده‌اند.

کتاب *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران* کتابی است توصیفی که نویسنده آن سعی کرده است برخی رشته‌های صنایع دستی را معرفی کند. این کتاب در پنج بخش تنظیم شده، ولی برای ارائه مطالب از یک دسته‌بندی مشخص استفاده نشده است. هم‌چنین، نویسنده توجه چندانی به طبقه‌بندی صنایع دستی براساس آخرین تغییرات آن نداشته و در این بحث، اطلاعات کتاب قابل استناد نیست. طبقه‌بندی صنایع دستی از موارد پراهمیت در بررسی صنایع دستی است که به انواع آن اشاره دارد.

منابع متعددی در زمینه صنایع دستی چاپ و منتشر شده است، از جمله صنایع دستی *ایران* (بهنام ۱۳۴۱)، *مروری بر صنایع دستی ایران* (حسن‌بیگی ۱۳۶۵)، *سیری در صنایع دستی ایران* (گلوک ۱۳۵۵)، و هم‌چنین پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها، گزارش‌ها، و طرح‌های پژوهشی متعددی در این زمینه نگاشته شده‌اند. به‌طور کلی، اطلاعات صنایع دستی هم تئوری و هم عملی است که در بیش‌تر منابع مباحث تئوری کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. ضرورت شناخت ابعاد نظری صنایع دستی علاوه‌بر شناخت عمیق آن می‌تواند راه‌گشای برنامه‌ریزی و احیای بسیاری از صنایعی شود که در حال فراموشی‌اند یا فراموش شده‌اند. در این باره، برای تبیین مباحث تئوری صنایع دستی به نقد انتقادی با تکیه بر مطالعات کتاب‌خانه‌ای پرداخته شده است. علاوه‌بر نقد شکلی، نقد محتوایی با هدف برطرف کردن کاستی‌ها انجام گرفته و نظرات انتقادی ذیل هریک از مباحث بیان شده است.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران* در ۱۴۰ صفحه در قطع وزیری، به‌قلم فریبا مصطفوی گردآوری شده است. همان‌طور که روی جلد این کتاب ذکر شده، این کتاب برای استفاده در فضاهای آموزشی به‌نگارش درآمده است. این کتاب در انتشارات «مهر نوروز» با ۲۳۰۰۰ جلد به‌چاپ رسیده است. جلد نرم روی کاغذ معمولی است و طراح آن هومن نادری است. روی جلد ظروف سفالی با نقوش حیوانی و طرح پشت جلد نه تصویر از

نقد کتاب *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران* (سمیرا عرب و سیدعبدالمجید شریف‌زاده) ۲۰۷

انواع مختلف صنایع دستی ایران است. طرح جلد این کتاب چندان زیبا و گیرا نیست. برای طراحی جلد کتاب‌های هنری با موضوع صنایع دستی بهتر است از آرایه‌ها و طرح‌های گرافیکی، هنری، و زیبایی‌شناختی مرتبط با موضوع استفاده شود.

باید تأکید کرد که جلد کتاب مانند نمای بیرونی یک ساختمان است و نخستین برخورد خواننده با کتاب دیدن جلد آن است. خوش طرح و خوش‌رنگ‌بودن جلد کتاب‌ها هم‌راه با سادگی زمینه‌ساز هم‌سویی عاطفی دانشجویان با کتاب و محتوای آن خواهد بود (رضی ۱۳۸۸).

این کتاب ۱۴۳ تصویر رنگی، بیست جدول، و یک ضمیمه دارد. پیش‌گفتار ۱، فهرست مطالب، و پیش‌گفتار ۲ از مباحث آغازین کتاب‌اند. در بخش اول کتاب صنایع دستی تعریف و طبقه‌بندی شده است. بخش دوم شامل معرفی کارگاه‌های صنایع دستی است. در بخش سوم جدولی ارائه شده که در آن گروه‌های هجده‌گانه صنایع دستی^۱ مورد بررسی قرار گرفته است. بخش چهارم شامل جغرافیای صنایع دستی است که براساس اطلاعات مربوط به چهارمین نمایشگاه بزرگ سراسری صنایع دستی کشور است که ابوالفضل دانایی در سال ۱۳۷۹ آن را تدوین کرده است. در این جا به سی نوع از انواع صنایع دستی در جغرافیای استان‌های کشور اشاره شده است. بخش پنجم شامل ضمیمه کتاب است که به ۲۹ کارگاه فنی - هنری در شهر تهران با ذکر آدرس و نوع کارگاه اشاره شده است. رفرنس مطالب این بحث مربوط به سال ۱۳۶۹ است که دفتر پژوهش‌های فرهنگی منتشر کرده است. آخرین بخش از کتاب نیز فهرست منابع است. کتاب پیوست و پی‌نوشت ندارد. در این کتاب فهرست مطالب اصلی به این صورت است: پیش‌گفتار، صنایع دستی ایران، کارگاه‌های صنایع دستی ایران، لیست مصوب رشته‌های صنایع دستی ایران، جغرافیای صنایع دستی ایران، ضمیمه انواع کارگاه‌ها، و فهرست منابع.

۳. نقد شکلی اثر

۱.۳ ضعف در شرح و ارائه تصویرها و جدول‌ها

در این کتاب ۴۱ تصویر رنگی مربوط به بحث طبقه‌بندی صنایع دستی ایران و ۱۰۲ تصویر مربوط به بحث کارگاه‌های صنایع دستی ایران آورده شده است. در پیش‌گفتار ۲ اشاره شده که تعداد تصویرها در بحث طبقه‌بندی صنایع دستی ۴۳ تاست و به جدول‌ها نیز اشاره نشده است. از نکات مهم در کتاب‌هایی که با موضوع صنایع دستی منتشر می‌شوند استفاده از

تصویرهای مناسب برای تفهیم بهتر مطالب است. کیفیت تصویرهای رنگی کتاب بر جلوه تصویر آن افزوده است. همان‌طور که ارائه تصویرهای باکیفیت در جذب خواننده تأثیرگذار است، هم‌گامی تصویرها با متن در نمای کلی کتاب می‌تواند باعث جلوگیری از سرگردانی مخاطب باشد و در تفهیم بهتر مؤثر است. صفحه‌آرایی از دیگر موارد مهم در جذب مخاطب است که بهتر بود در این کتاب بیش‌تر به آن توجه می‌شد. اگرچه این کتاب ضعف‌های ویراستاری و کاستی‌های محتوایی در متن دارد، ولی با ارائه تصویرهایی که از کیفیت خوبی برخوردارند، می‌تواند یکی از کتاب‌های مورد استفاده دانشجویان و نویسندگانی باشد که امکان مراجعه و تصویربرداری را از کارگاه‌های هنری ندارند.

برای زیرنویس تصویرها از یک الگوی منظم و یک‌پارچه استفاده نشده و اطلاعات کافی و صحیح که بیان‌گر تصویر باشد در اختیار خواننده قرار نگرفته است. هم‌چنین، از یک تصویر در موارد متعدد با زیرنویس‌های گوناگون استفاده شده است. به‌طور کلی، از چهار گونه رفرنس‌دهی برای تصویرها^۲ استفاده شده است: ۱. استفاده از «منبع» در زیرنویس تصویرها (ذکر نام کتاب و در مواردی نام نویسنده و گاهی سال انتشار کتاب) مانند تصویرهای ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۱ در صفحه‌های ۷۸ و ۷۹؛ ۲. استفاده از «مرجع» (ذکر نام میراث فرهنگی و سال) مانند تصویرهای ۳۳، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ در صفحه‌های ۸۰ و ۸۱؛ ۳. تصویرهایی که هیچ منبع یا مرجعی در زیر آن‌ها ذکر نشده است مانند تصویرهای ۱۴ و ۱۵ در صفحه‌های ۳۴ و ۳۵؛ و ۴. تصویرهایی که زیرنویس ندارند (مانند تصویرهای ۸۱ تا ۸۶ در صفحه‌های ۱۰۳ و ۱۰۴ و تصویرهای ۸۹ و ۹۰ در صفحه ۱۰۶).

در زیرنویس تصویر در صفحه ۳۴ کتاب شماره تصویر به اشتباه به جای ۱۳ عدد ۳ نوشته شده است. این تصویر مربوط به «دندان» نیست و زیرنویس آن نیز به اشتباه ذکر شده است. تصویرهای ۳۷ و ۳۹ در مبحث صنایع دستی ایران موجود نیست؛ به این صورت که پس از تصویر ۳۶، تصویر ۳۸ و پس از آن نیز ۴۰ آورده شده است. زیرنویس تصویر ۱۵ در صفحه ۷۱ فردی در حال بافت پارچه دارایی است، در حالی که عنوان آن «دار دندان‌بافی رولحافی» ذکر شده است. از همین تصویر نیز در صفحه ۳۴ تصویر ۱۴ با عنوان «کاربرد کلاف‌های ایکات در بافت رولحافی در یک کارگاه یزدی» استفاده شده است.

در توضیح‌های مربوط به خاتم^۳ چندین تصویر در صفحه‌های ۸۴ تا ۹۴ آمده که زیرنویس آن‌ها نیز به اشتباه ارائه شده است. تصویر ۴۱ در صفحه ۸۴ کتاب مربوط به «میز» است که در زیرنویس آن عنوان «کارگاه خاتم‌کاری» ذکر شده است، در حالی که همین تصویر در صفحه ۵۰ با عنوان «میز خاتم» آورده شده است. تصویر ۴۲ در صفحه ۸۴ بخشی

از یک تابلوی آموزش هنر خاتم‌کاری است که در زیرنویس آن «میز و ابزار خاتم‌کاری» به‌اشتباه ذکر شده است. در این تصویر گل خاتم، چوب، آلیاژ، استخوان شتر، و ... مشاهده می‌شود. در تصویر ۵۶ در صفحه ۹۱ دستگاه برش چوب مربوط به خاتم‌کاری مشاهده می‌شود، در حالی که در زیرنویس تصویر به «یکی دیگر از وسایل پرداخت خاتم» اشاره شده است. در کنار برخی تصویرها در مقایسه با متن کتاب نوشته‌هایی با قلم ریزتری مشاهده می‌شود که مربوط به منبعی است که تصویر از آن گرفته شده است. هم‌چنین، نویسنده علاوه بر نوشته‌های کنار تصویر، که در مواردی نیز ناخواناست، زیرنویسی برای توضیح آن‌ها آورده است. تصویر ۲۸ در صفحه ۴۸، تصویر ۳۰ در صفحه ۵۰، و تصویر ۳۱ در صفحه ۵۲ کتاب از جمله این موارد است.

در این کتاب ۲۰ جدول آمده است که یک جدول در صفحه ۲۰ با عنوان «برچسب فرش‌های دست‌باف: (م ۱۷ ص ۱۵۵)» آورده شده است. هجده جدول در بحث مربوط به کارگاه‌های صنایع دستی از صفحه ۱۱۳ تا ۱۲۳ است که عنوان آن «لیست رشته‌های مصوب صنایع دستی ۱۳۹۳» است.

یک جدول نیز با عنوان «جغرافیای صنایع دستی ایران» از صفحه ۱۲۵ تا ۱۳۶ ارائه شده است. در این جدول علاوه بر ایرادهای تایپی، کاستی‌های محتوایی نیز مشاهده می‌شود. در گروه ۹ جدول در صفحه ۱۱۸ که مربوط به صنایع دستی چوبی و حصیری است، نام رشته «خاتم» و نام زیرمجموعه آن «خاتم‌سازی (مصالح خاتم) و خاتم‌کاری» ذکر شده است. شکل صحیح آن به این صورت است: «خاتم‌کاری» نام رشته است و «خاتم‌سازی و خاتم‌چسبانی» زیرمجموعه‌های آن است. هم‌چنین، نقاشی گل و مرغ، تشعیر، تذهیب، و نقاشی قهوه‌خانه‌ای زیرمجموعه رشته نگارگری است که در گروه ۱۶ جدول صفحه ۱۲۳ هرکدام به‌منزله رشته‌ای مجزا آورده شده است. هم‌چنین، به بوم‌سازی و گره‌سازی نیز اشاره نشده است.

۲.۳ تطابق نداشتن فهرست مطالب با متن کتاب

فهرست مطالب با متن کتاب هم‌گام نیست، به طوری که برخی عنوان‌هایی که در متن آمده در فهرست مطالب به آن‌ها اشاره نشده است. اولین مورد در فهرست مطالب پیش‌گفتار ۲ است. پیش‌گفتار ۱ پیش از فهرست مطالب آورده شده که در فهرست به آن اشاره نشده است. در صفحه ۳۱ کتاب، در بخش «انواع رودوزی‌های سنتی» به ترمه‌بافی و پته‌بافی و ...

اشاره شده که در فهرست به این موارد اشاره نشده است. گفتنی است، براساس طبقه‌بندی هنرهای صناعی^۴ ترمه‌بافی در زمره رودوزی‌ها نیست. بهتر آن بود که برای این مبحث رودوزی‌ها جدا از بافته‌ها آورده می‌شد.

۳.۳ ضعف در ارجاع‌های متنی

استناد به منابع مورد استفاده در تحقیق با هر سبک و شیوه‌ای از الزامات کار علمی و تحقیقاتی است. یکی از بهترین روش‌های استناددهی در متن نوشتن نام نویسنده، سال، و صفحه‌ای است که متن از آن برداشته شده است. «از آن‌جا که در کتاب‌نامه اسامی مؤلفان به ترتیب حروف الفبا فهرست‌بندی می‌شود، پس اول نام خانوادگی ذکر می‌شود» (بارنت ۱۳۹۱: ۴۵۴). انواع ارجاع‌های درون‌متنی در این کتاب به این صورت آورده شده است: در صفحه ۱۳ = م ۱۴ ص ۴، در صفحه ۱۴ = * و * و در مواردی مانند صفحه‌های ۳۵، ۳۷، و ۳۹ = م و عدد ذکر شده است. مقصود نویسنده از «م» شماره منابع در فهرست منابع است و «ص» شماره صفحه‌ای است که نویسنده از آن استفاده کرده است. این روش‌ها در هیچ منبعی برای رفرنس‌دهی رایج نیست.

۴.۳ ضعف در فهرست منابع

برخی از منابع در فهرست منابع به‌طور ناقص یا اشتباه آورده شده است؛ مثلاً، *قالی ایران*، سیسیل ادواردز، ترجمه مهین‌دخت صبا، چاپ افست. «قالب کلی تنظیم اطلاعات مربوط به فهرست منابع برای کتاب به این صورت است: نام خانوادگی، نام (سال نشر). عنوان کتاب، جلد، مترجم (شماره چاپ)، محل انتشار: ناشر» (حسن‌زاده ۱۳۹۲: ۸۱). هم‌چنین، مطلبی از سر جورج بردوود در صفحه ۱۴ آمده که منبع مورد استفاده آن در فهرست منابع نیامده است. از موارد دیگر ذکر نام کتاب‌هایی است که در فهرست منابع به آن اشاره شده و در متن اصلی کتاب از آن استفاده نشده است، مانند *تاریخ هنر ایران و جهان، هنر خاتم‌سازی در ایران*. برای نوشتن فهرست منابع از یک الگوی مشخص استفاده نشده است؛ مثلاً، برای برخی منابع محل نشر کتاب ذکر شده و در برخی موارد فقط به انتشارات آن اشاره شده است. همان‌طور که ذکر شد، عنوان منبع در فهرست‌نویسی پس از سال قرار می‌گیرد و در ابتدا نام خانوادگی و نام نویسنده کتاب قرار دارد که در این کتاب این ترتیب رعایت نشده است. در فهرست منابع نام کارگاه‌های سازمان میراث فرهنگی نیز ذکر شده است.

۵.۳ اشتباه‌های چاپی

برخی واژگان در این کتاب خواننده را دچار سردرگمی می‌کند و تشخیص آن‌که اشتباه تایپی است یا به‌غلط استفاده شده، مسئولیت سختی را برای خواننده رقم خواهد زد. از جمله، در صفحه ۱۶ واژگان «داز» (شکل صحیح «دار»)، «اشت» (شکل صحیح «است»)، در صفحه ۲۲ واژه «باصطلاح» (شکل صحیح «به‌اصطلاح»)، و در صفحه ۲۹ واژه «ایجاد» (شکل صحیح آن «ایجاد»). در بخش توضیحات مربوط به ابزارهای مثبت‌کاری در صفحه ۵۳، ابزارها این‌گونه نوشته شده‌اند: «ابزاری هم‌چون مغاره‌های مختلف، چکش یا چخماق، روغن‌دان». در منابعی مانند کتاب سیری در صنایع دستی ایران (فناپی ۱۳۸۷: ۱۷۳) ابزار مثبت‌کاری به این صورت آمده: «ابزار و وسایل مورد استفاده در این هنر [مثبت‌کاری] عبارت‌اند از: چکش چوبی (تخماق)، گیره...». براساس این متن می‌توان گفت که «چخماق» جزو ابزارها نیست و «تخماق» اشتباه تایپی یا اشتباه نگارنده کتاب است. از دیگر اشتباه‌های تایپی استفاده از علامت ستاره به‌جای ضرب در زیرنویس تصویرهاست.

در لیست رشته‌های مصوب صنایع دستی در سال ۱۳۹۳ مربوط به صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۲۳ ایرادهای تایپی عبارت‌اند از: «بریشم‌بافی» (شکل صحیح «ابریشم‌بافی»)، «دارابی‌بافی» (شکل صحیح «دارایی‌بافی»)، «ژمودگری» (شکل صحیح «زمودگری»)، «جووک‌کاری» (شکل صحیح «جووک‌کاری»)، «سیواس‌بافی» (شکل صحیح «سواس‌بافی»)، «خرطی‌چوب» (شکل صحیح «خراطی‌چوب»)، «اروسی‌سازی» (شکل صحیح «اُرسی‌سازی»)، «بادله‌دوزی» (شکل صحیح «بادله‌دوزی»). هم‌چنین، در همین قسمت ایرادهای تخصصی شامل مواردی از جمله «کوفته‌گری» (طلا یا نقره‌کوبی روی فلزات) که شکل صحیح آن کوفته‌گری (طلا یا نقره‌کوبی روی فولاد) است. از دیگر کاستی‌های شکلی این اثر حروف‌چینی، فاصله سطرها، و سطر بندی است که در بیش‌تر قسمت‌های کتاب مشاهده می‌شود. هم‌چنین، در ذیل تمامی جدول‌ها عنوان زیرمجموعه رشته با شکل‌های غلط مانند مجموعه رشته در صفحه ۱۱۴، زیرمجموعه رشته در صفحه ۱۱۶ است. هم‌چنین، واژگان غلطی که در جدول‌های جغرافیای صنایع دستی آمده عبارت‌اند از: «بستان‌آباد» (شکل صحیح «بستان‌آباد»)، «دارگلیمبافی» (شکل صحیح «دار گلیم‌بافی»)، «تسمه‌کش» (شکل صحیح «تسمه‌کش»)، «لحیم‌کاری» (شکل صحیح «لحیم‌کاری»)، و «حمرز» (شکل صحیح «ممرز»).

۶.۳ استفاده از علائم نگارشی

در صفحه ۱۶ کتاب در بحث «دار عمودی و روستایی» در پایان جمله از نقطه استفاده نشده است و نیز استفاده نامناسب از ویرگول که در پایان جمله‌ها مشاهده می‌شود. در صفحه ۱۰۸ در زیرنویس تصویرهای ۹۳ و ۹۴ پس از ذکر نام مؤلف کتاب از ویرگول استفاده شده است. همچنین، در صفحه ۲۳ در سطرهای ۱۸، ۱۹، و ۲۰ در پایان جمله از ویرگول استفاده شده است. در صفحه ۱۷ سطر چهارم و صفحه ۱۸ سطر پنجم در پایان جمله از نقطه استفاده نشده است.

۷.۳ تطابق نداشتن متن و عنوان کتاب

عنوان هر نوشتار علمی باید گویای مطالبی باشد که نویسنده به خواننده منتقل می‌کند. عنوان این کتاب *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران برای استفاده در فضاهای آموزشی* است که فارغ از کاستی‌های آن، عنوان و محتوا هم‌راستا نیستند. نویسنده در بررسی کارگاه‌های صنایع دستی ایران فقط به کارگاه‌های هنری مستقر در مجموعه هنرهای سنتی میراث فرهنگی بسنده کرده است. برای چنین عنوانی از نویسنده انتظار می‌رود نه تنها کارگاه‌های صنایع دستی تهران، بلکه کارگاه‌های صنایع دستی را در ایران مورد بررسی قرار دهد. البته، در این بررسی هیچ قطعیتی مبنی بر معرفی تمامی رشته‌ها وجود ندارد.

چنانچه نویسنده فهرستی از کارگاه‌های هنری و تولیدی ارائه می‌کرد و در نهایت، تعداد قابل توجهی از آن‌ها را که اهمیت بیش‌تری داشتند بررسی می‌کرد، ارزش این کتاب دوچندان می‌شد. نویسنده برای آنچه توصیف کرده الگوی مشخصی ندارد و برای هر رشته صنایع دستی توضیح‌هایی را ارائه داده که هیچ‌کدام از آن‌ها به لحاظ شکلی مشابه یک‌دیگر نیستند. مثلاً، برای روش کار از مراحل کار، شیوه اجرا، روش کار، و ... استفاده شده است.

۴. نقد محتوایی اثر

کتاب *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران* برای آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی گردآوری شده که بیش‌تر جنبه توصیفی دارد و کم‌تر تحلیلی است. این کتاب بدون داشتن فصل‌بندی مشخصی تنظیم شده است. دو پیش‌گفتار دارد که در هر کدام از آن‌ها اشارات ضمنی درخصوص پیشینه صنایع دستی، اهداف، و علت انتخاب این موضوع برای نویسنده آمده است. در این دو پیش‌گفتار نویسنده عنوان کرده است که قصد دارد انواع صنایع دستی

ایران و کارگاه‌های مربوط به آن را معرفی کند و برای جمع‌آوری مطالب از کتاب‌های مختلف استفاده کرده است. درخصوص نوآوری و استفاده از منابع درخور می‌توان اشاره کرد که بسیاری از مطالب و ارجاع‌ها در این کتاب منبعی است که در سال‌های بسیار دور به‌چاپ رسیده‌اند و نویسندگان آن‌ها در زمان گردآوری، از اطلاعاتی که در مواردی نیز ایرادهای بسیار دارد، استفاده کرده‌اند. از نویسنده این کتاب انتظار می‌رفت که برای نوشتن کتاب در این بازه زمانی از منابع به‌روزتری که ایرادهای محتوایی کم‌تری نیز دارند، استفاده کند. برای نقد بهتر مطالب اصلی با عنوان‌های صنایع دستی ایران، کارگاه‌های صنایع دستی ایران، لیست مصوب رشته‌های صنایع دستی، و جغرافیای صنایع دستی و زیرمجموعه‌های آن‌ها مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۱.۴ صنایع دستی ایران

۱.۱.۴ تعریف صنایع دستی

در آغاز تعریف صنایع دستی براساس کتاب *آشنایی با هنرهای سنتی* (یاوری و عرفانی ۱۳۹۲) ذکر شده است. شاید بهتر بود که نویسنده از تعریف به‌روزتری برای صنایع دستی استفاده می‌کرد. از جمله تعریفی که در کتاب *جستاری در سنت و مدرنیسم و تأثیر آن بر صنایع دستی* ذکر شده است: «آنچه ما به‌عنوان صنایع دستی (handicrafts) می‌شناسیم، آن چیزی است که در بازارهای جهانی به نام «مصنوعات هنری» شهرت یافته است» (قریب‌پور شهریاری و دیگران ۱۳۹۴: ۲۸۲).

۲.۱.۴ طبقه‌بندی صنایع دستی

مبحث بعدی مربوط به طبقه‌بندی صنایع دستی است که منبع آن لیست سازمان میراث فرهنگی کشور و سال انتشار آن ۱۳۹۳ است. بر این اساس، صنایع دستی شامل هجده گروه مصوب، ۱۵۶ رشته، و ۱۴۳ زیرمجموعه است که با احتساب رشته «فرش» در مجموع، ۲۹۹ رشته و زیرمجموعه است. نویسنده ادعا کرده است که قصد دارد از بین ۲۹۹ رشته ۲۳ رشته را بررسی کند. اسامی گروه‌هایی که نویسنده آن‌ها را بررسی کرده است بافته‌های داری، سایر بافته‌های داری و غیرداری، سوزن‌دوزی، چاپ سنتی، سفال‌گری و سرامیک‌سازی، شیشه‌گری، هنرهای فلزی و فلزکاری، هنرهای سنگی، هنرهای چوبی، و هنرهای تزئینی است. براساس آنچه در متن آمده نویسنده دوازده گروه را بررسی کرده است، درحالی‌که در آغاز این بخش اشاره کرده که قصد دارد ده گروه را بررسی و معرفی کند.

۳.۱.۴ بافته‌های داری

۱.۳.۱.۴ قالی

در توضیح‌های مربوط به این بحث نویسنده به پیشینه قالی در منابع اشاره کرده است. همچنین، روش‌های تشخیص قالی را این‌گونه برشمرده است: تاریخ تهیه قالی، طبقه‌بندی براساس یک تخته‌قالی از روی طرح قالی که از لحاظ تاریخی قابل تشخیص است، رج‌شمار قالی، و نوع رنگ مصرفی (شیمیایی یا گیاهی). در این‌جا مقصود نویسنده از روش‌های تشخیص قالی چندان مشخص نیست. شاید مقصود ایشان تطبیق یک اثر معاصر با اثر تاریخی برای دست‌یابی به شاخصه‌های قالی مناسب و ارزش‌مند است. در ادامه، به دستگاه و ابزارهای بافندگی مانند انواع دار، ابزار قالی‌بافی، مواد، و طرح‌های قالی اشاره شده است. هم‌چنین به محل، شرایط کار، و اصولی که باید در ساخت و نصب دار مورد توجه قرار گیرد اشاره شده است. قالی در چند دهه گذشته به دلایل گوناگونی که اغلب ناشی از تحولات پیشرفته در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور است، در زمینه تولید مشکل و رکود داشته است.

در خصوص اصولی که باید در ساخت و نصب دار مورد توجه قرار گیرد به عنوان‌های چله‌کشی، پودگذاری، بافتن، پرداخت، و ترمیم و رفوگری نیز اشاره شده است. «چله‌کشی» یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های بافنده در دست‌بافته‌هاست، درحالی‌که در موارد یادشده از آن به منزله اصول ساخت و نصب دار یاد شده است. در خصوص جایگاه و بررسی «چله» در کتاب‌های بسیاری از جمله کتاب *مروری بر صنایع دستی ایران* مبحث چله که شامل «چله‌دوانی» و «چله‌زنی» است پس از عنوان‌های ریسندگی و رنگ‌رزی برای بحث در اولویت قرار گرفته است (حسن‌بیگی ۱۳۶۵: ۳۲۲). هم‌چنین، در کتاب *آشنایی با صنایع دستی ایران* در مبحث مراحل قالی‌بافی ابتدا، به دار و الیاف مورد استفاده در قالی‌بافی و سپس، به چله‌کشی و دیگر مراحل بافت اشاره شده است (تسلیمی و دیگران ۱۳۸۶).

۴.۱.۴ دیگر بافته‌های داری و غیرداری

۱.۴.۱.۴ گلیم

در آغاز این بحث به پیشینه و نمونه‌های آغازین گلیم اشاره شده است. هم‌چنین، به مواد اولیه، دار، بافت، ابزار، شیوه بافت، مراحل تولید، نقوش مورد استفاده، و انواع گلیم اشاره شده است. در شیوه بافت به دوازده مورد اشاره شده که مورد دوازدهم «پرداخت نهایی در مورد ریشه و سایر تزئینات» است. مورد ذکر شده از عملیات نهایی در بافت است و مربوط به شیوه نیست.

۲.۴.۱.۴ گبه

در ادامه گبه، وسایل و ابزار، نقوش، و اصطلاحات آن بررسی می‌شود.

۳.۴.۱.۴ نمذ

نمذ به منزله یکی دیگر از بافته‌های مورد بحث در این مبحث است که در این جا به «نمدمالی» و روش کار آن اشاره شده است. متأسفانه، در این بحث نویسنده بافته‌های داری و غیرداری را به‌طور مشخص تفکیک نکرده است. نمذ از جمله روش‌های بافندگی سنتی تیندنی^۵ است و در زیرمجموعه دست‌بافته‌های دستی قرار دارد.

۴.۴.۱.۴ سوزن‌دوزی

در این بحث به پیشینه و آثاری در موزه‌ها، مواد و مصالح رودوزی‌های ایرانی، روش دوخت، روش کار، و انواع آن اشاره شده است. در روش دوخت انواع بخیه، انواع دوخت‌ها، انواع طرح، و انواع نقوش ذکر شده که موارد یادشده چندان تناسبی با عنوان ندارد. در روش کار به مراحل دوخت سوزن‌دوزی اشاره شده است.

۵.۱.۴ انواع رودوزی‌های سنتی

در این جا بهتر بود که پیش از آوردن مطالب سوزن‌دوزی از این عنوان استفاده می‌شد. رودوزی‌های سنتی گروه اصلی‌اند که در زیرمجموعه آن سوزن‌دوزی نیز قرار دارد. علاوه بر آن، در ادامه به ترمه‌بافی و پته‌بافی اشاره شده که هیچ‌کدام زیرمجموعه رودوزی‌ها نیست (ترمه‌دوزی و پته‌دوزی در این زیرمجموعه قرار دارد). ترمه‌بافی زیرمجموعه بافندگی دستگاهی تاروپودی است. دندان‌ی و گیوه‌بافی از موارد دیگری است که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است. در توضیحات مربوط به دندان‌ی ذکر شده که ایکات یکی از فرآورده‌هایی است که به روش دندان‌ی تهیه می‌شود؛ در حالی که این جمله چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. هم‌چنین، گیوه‌بافی یا گیوه‌دوزی زیرمجموعه بافندگی سنتی بافتنی است که در این بحث به اشتباه جای گرفته است. براساس طبقه‌بندی صنایع دستی دست‌بافته‌های سنتی شامل دو زیرشاخه اصلی با عنوان‌های دست‌بافته‌های داری و دست‌بافته‌های دستگاهی‌اند^۶ (پاوری و عرفانی ۱۳۹۲: ۱۷). نمذ از دست‌بافته‌های دستی تیندنی، قالی و گلیم از دست‌بافته‌های داری، و ایکات و زری‌بافی در زمره دست‌بافته‌های دستگاهی است. از نقاط ضعف در این کتاب به‌ویژه در این بخش ارائه‌ندادن طبقه‌بندی مناسب برای بررسی صنایع دستی است.

۶.۱.۴ چاپ سنتی

۱.۶.۱.۴ قلم‌کار و باتیک

در توضیح‌های مربوط به این بخش در صفحه ۳۶ اشاره شده که قدیمی‌ترین نمونه قلم‌کار مربوط به سال ۲۱۰۰ پیش از میلاد است. نویسنده در چند سطر بعد این هنر را بازمانده قرن دوازدهم هجری دانسته که تا پایان قرن سیزدهم از درخشان‌ترین هنرهای تزئینی ایران بوده است. «باتیک» عنوان دیگری است که در این بخش به آن نیز اشاره شده است، ولی به ابزار و مواد اولیه اشاره نشده است.

۷.۱.۴ سفال‌گری و سرامیک‌سازی

در ادامه، سفال‌گری و سرامیک‌سازی آمده که به قدیمی‌ترین مراکز سفال‌گری در ایران و روش کار (به صورت بسیار موجز) اشاره شده است. در این بحث از تصویرهایی استفاده شده که مربوط به سفال لعاب‌دار، سفال زیرلعاب، و سرامیکی است. در توضیح‌های مربوط به آن اطلاعاتی از روش‌های یادشده نیامده است. هم‌چنین، بحث بسیار مهم ساخت (شکل‌دهی) و تزئین که دو زیرمجموعه آثار سفالی‌اند، نیامده است. در این بحث تفاوت‌های سفال و سرامیک ذکر نشده و علاوه بر آن، به مواد اولیه، روش‌های ساخت، و تزئین نیز اشاره نشده است.

۸.۱.۴ شیشه‌گری

قسمت شیشه‌گری و پیشینه آن در ایران از دیگر مواردی است که در آن به روش‌های اجرا و ابزار اشاره نشده است. آثار شیشه‌گری با دو روش کلی ساخت و تزئین به دست می‌آیند. به طور کلی، برای معرفی بسیاری از هنرها فقط به یک تعریف مختصر و پیشینه‌ای بسیار کوتاه بسنده شده است.

۹.۱.۴ هنرهای فلزی و فلزکاری

۱.۹.۱.۴ فلزکاری

با وجود سابقه و پیشینه طولانی فلز، استفاده از آن، و نقش آن در زندگی بشر نویسنده دلیل رواج آن را صنعتی شدن و نوسازی دانسته است. در این بحث آثار کشف‌شده از محوطه‌های باستانی را با تاریخی نزدیک به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد و نیز آشنایی هنرمندان ایرانی را با هنر قلم‌زنی اثبات می‌کند. آثار تاریخی بسیار باارزشی مانند جام‌های زرین

حسنلو، مارلیک، ارجان، پرچم شهدا، و ... توان بالای هنرمندان ساکن ایران زمین را در هزاره‌های قبل از میلاد نشان می‌دهد.

۲.۹.۱.۴ قلم‌زنی

در بحث مراحل قلم‌زنی، پرداخت نهایی زمانی صورت می‌گیرد که قیر از داخل یا پشت کار جدا شده باشد. در این کتاب مراحل جداکردن قیر و پرداخت نهایی از لحاظ فنی صحیح نیست و به‌درستی ذکر نشده است.

۳.۹.۱.۴ مشبک‌کاری

در این بحث مقصود نویسنده از مشبک‌کاری آن چیزی است که مربوط به فلز است. در این‌جا نویسنده به‌اشتباه اشاره کرده که کار مشبک به‌طور معمول روی عاج و فیبر ساخته می‌شود. در ادامه، نویسنده به هنرهای تلفیقی چوبی نیز اشاره کرده است که به‌اشتباه در این مبحث آمده است. زمانی که از مشبک‌کاری در زیرمجموعه هنرهای فلزی یاد می‌شود مقصود از آن استفاده از قلم تیزبر و در مواردی کمان‌اره برای برش فلز است.

۴.۹.۱.۴ ملیله‌کاری

در ساخت ملیله علاوه بر نقره، از طلا نیز استفاده شده که در این‌جا به آن اشاره نشده است. به ابزار کار و روش صحیح تولید آن به‌طور دقیق اشاره نشده است. در مرحله پایانی ملیله پودر بوراکس و نقره را روی ملیله می‌پاشند و با حرارت مشعل آن‌ها را به یک‌دیگر لحیم می‌کنند و سپس موم را ذوب می‌نمایند. در این کتاب درخصوص مرحله پایانی آمده است که موم و ناخالصی‌ها را با تیزاب و حرارت از روی طرح موردنظر می‌زدایند.

۵.۹.۱.۴ میناکاری

در بحث میناکاری روش‌های مرسوم براساس آنچه در لیست مصوب در همین کتاب آمده، معرفی نشده است. در این‌جا فقط تاریخچه‌ای کوتاه، رنگ‌ها، و ابزار آمده است. در کتاب بیان شده که از اکسید قلع برای شفافیت مینا استفاده می‌شود، درحالی‌که چنین جمله‌ای صحیح نیست. مینا پس از پخت در کوره شفاف می‌شود. روش‌های رایج مینای خانه‌بندی و مرصع در اینجا ذکر نشده و نویسنده بدون در نظر داشتن آن‌ها مینای نقاشی را مطرح کرده است. میناکاری در طبقه‌بندی هنرهای صناعی گروهی مستقل است و در این‌جا به‌منزله زیرمجموعه‌ای از هنرهای فلزی مورد بحث قرار گرفته است.

۶.۹.۱.۴ جواهرسازی

آخرین موضوعی که در بحث هنرهای فلزی و فلزکاری به آن اشاره شده جواهرسازی است. تاریخچه زیورآلات ایرانی در این بحث به دوران هخامنشی نسبت داده شده است. نویسنده در این بحث اشاره کرده است که جواهرسازی در بلوچستان به نقره‌سازی منجر شده است که این جمله از نظر شکلی و محتوایی چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

۱۰.۱.۴ هنرهای سنگی

در زیرمجموعه هنرهای سنگی به سنگ‌تراشی اشاره شده است. هنرهای سنگی شکل دادن و نقش‌پردازی سنگ علاوه بر تراش، برش — خراش، و تلفیقی از این موارد را شامل می‌شود که در این بحث به آن اشاره نشده است. در این بحث از دو مرکز اصلی سنگ‌تراشی (مشهد و قم) نام برده شده است که در این میان به اصفهان در زمرة شهرهای پیش‌رو در این صنعت اشاره نشده است. هم‌چنین، از ابزار و روش‌های صحیح کار ذکری به میان نیامده است و مراحل استخراج تا تولید نیز ذکر نشده است.

۱۱.۱.۴ هنرهای چوبی

۱.۱۱.۱.۴ خاتم‌سازی

براساس استاندارد رشته‌های کاردانش در شورای تدوین کتب درسی سال ۱۳۹۶ و هم‌چنین استانداردهای سازمان فنی‌حرفه‌ای در سال ۱۳۹۵، رشته «خاتم‌کاری» با دو زیرمجموعه «خاتم‌سازی» و «خاتم‌چسبانی» در گروه هنرهای چوبی قرار دارد.^۷ نویسنده بدون در نظر داشتن این مهم از عنوان «خاتم‌سازی» برای تمامی اطلاعات مربوط به این هنر استفاده کرده است. در آغاز، ذکر شده که به علت از بین رفتن مواد اولیه خاتم، که چوب و چسب است، نمونه‌های تاریخی آن در دسترس نیست و کهن‌ترین نمونه در این مورد مربوط به بقعه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان ذکر شده که این نیز گفته صحیحی نیست. «قدیمی‌ترین نمونه از خاتم‌کاری رحل چوبی منبت، مشبک، و خاتم است که در موزه متروپولیتن نیویورک نگهداری می‌شود. این رحل دارای تاریخ ۷۶۱ ق می‌باشد که اثر حسن ابن سلیمان آل اصفهانی است» (عرب ۱۳۹۴: ۹-۱۰). در این بحث نویسنده هیچ اشاره‌ای به چوب‌های رنگی به منزله بخش قابل توجهی از مواد اولیه در ساخت خاتم نکرده است. نصب خاتم، روغن‌کاری، انواع خاتم، و انواع حاشیه خاتم از مباحث این قسمت است. در

انواع خاتم به خاتم متن اشاره نشده است. خاتم‌ها براساس کاربرد به دو صورت «حاشیه» و «متن» مورداستفاده قرار می‌گیرند. «خاتم‌های حاشیه طرح‌های بسیاری از جمله خاتم حاشیه تاجی، خاتم حاشیه ابری، خاتم حاشیه جویی، و ... خاتم‌های متن نیز شامل انواع خاتم متن ابری، خاتم متن پره‌وارو، خاتم متن جناغی، و ... هستند» (همان: ۷۱). در وسایل و ابزار خاتم‌سازی به سنگ و سنگ مثلث‌سایبی اشاره شده که در خاتم‌سازی چنین ابزاری وجود ندارد. در بحث نصب خاتم، «خاتم پشت‌چسب‌دار» آمده است که چنین جمله‌ای صحیح نیست. هم‌چنین، در بحث روغن‌کاری به هاویلوکس به‌منزله روغن پوشاننده روی سطح اثر اشاره شده که صحیح نیست. برای پوشاندن سطوح خاتم‌کاری از پلی‌استر استفاده می‌شود.

۲.۱۱.۱.۴ مثبت‌کاری

تاریخ مثبت‌کاری در ایران به دوران هخامنشی یا پیش از آن نسبت داده شده است. نویسنده کتاب تمامی مباحث تاریخی را بدون توجه و دقت لازم پشت سر گذاشته است. در ادامه، قدیمی‌ترین اثر مثبت‌کاری را مربوط به قرن‌های چهارم و پنجم هجری دانسته است. این‌که تاریخ مثبت‌کاری (تراش و برداشت) به دوره هخامنشیان منسوب شده صحیح‌تر از آن است که مثبت‌کاری چوب به این دوره نسبت داده شود. در روش کار به مواردی از جمله بست کار، گیره، و طرح‌ریزی خطوط محیطی نیز اشاره شده که چنین مواردی صحیح نیست. در مثبت‌کاری چنان‌چه کار کوچک باشد، برای جلوگیری از سُرخوردن و به‌اصطلاح در رفتن کار از زیر چکش آن را با گیره به میز کار متصل می‌کنند. با چنین توصیفی نیز دو مورد ذکر شده صحیح نیست.

۳.۱۱.۱.۴ معرق

معرق از دیگر مواردی است که در زیرمجموعه هنرهای چوبی به آن اشاره شده است. در تعریف معرق در صفحه ۵۴ آمده که معرق تکه‌های ریزی از کاشی است که در کنار هم چیده می‌شوند تا طرح اصلی به‌دست آید. چنان‌چه بخواهیم تعریفی از معرق در زیرگروه هنرهای چوبی ارائه دهیم، این تعریف چندان صحیح به‌نظر نمی‌رسد. در این صورت، نباید از عنوان کاشی استفاده کرد و بهتر آن است که در تعریف به تکه‌های چوب اشاره شود. در واقع، معرق چوب حاصل برش و چیدن چوب‌های رنگین در کنار هم است. ابزار و روش کار در تکمله آمده و در آخر، به تحولات در این هنر اشاره شده که نمایش بُعد و

ایجاد سایه‌روشن از مواردی است که در آثار جدید به نمایش گذاشته شده است. در ابزار کار به میخ اشاره شده که در نوع آن به جای «سایه» «ساده» آمده است.

۴.۱۱.۱.۴ سبد و حصیر

در این کتاب سبد و حصیر در زمره هنرهای چوبی دانسته شده و نویسنده فقط با ذکر یک جمله به تعریف آن بسنده کرده است. تصویر ارائه شده در این مبحث بوریا بافی است که نویسنده توضیحات لازم را در این خصوص ارائه نداده است. گفتنی است، براساس طبقه‌بندی هنرهای صناعی حصیر و بافته‌هایی از این دست مانند بوریا زیرمجموعه بافته‌های دستی‌اند.

۱۲.۱.۴ هنرهای تزئینی

۱.۱۲.۱.۴ چرم‌سازی

هنرهای تزئینی گروه پایانی است که با دو زیرمجموعه «چرم‌سازی» و «پایه‌ماشه» مباحث این بخش به پایان رسیده است. در بحث بسیار کوتاه چرم‌سازی علاوه بر نقوش تزئینی، فنون اجرای آن نام برده شده است. در این بحث فقط به جلد کتاب که با چرم تزئین می‌شود اشاره شده است، در حالی که چرم‌سازی شامل موارد دیگری از جمله ساخت اشیای چرمی نیز می‌شود. براساس طبقه‌بندی صنایع دستی جلد چرمی زیرمجموعه صحافی و جلدسازی سنتی است که در این جا به آن اشاره‌ای نشده است.

۲.۱۲.۱.۴ پایه‌ماشه

پایه‌ماشه که در زیرمجموعه آثار لاک‌ی و روغنی قرار دارد از دیگر هنرهایی است که به آن اشاره شده است. در این بحث سابقه و پیشینه پایه‌ماشه به دوران سلجوقی نسبت داده شده است. هم‌چنین، کاغذ مخصوص این صنعت کاغذ خانبالغ یا کاغذ برنجی ذکر شده است. «کاغذ خانبالغ در ایران و دیگر کشورهای اسلامی برای نوشتن قرآن و نگارش‌های عربی و فارسی به کار گرفته می‌شده است» (فناپی ۱۳۸۷: ۲۵۱). این کاغذ به علت استحکام و ضخامت بیش‌تر برای نسخه‌نویسی کاربرد دارد و برای پایه‌ماشه مناسب نیست. در این جا به قلم‌دان و جلد کتاب اشاره شده است، در حالی که بسیاری از آثار مانند قاب آینه، قاب عکس، جعبه ترازو، و ... نیز به این روش تزئین می‌شوند. در این بحث از دوره زندیه به منزله دوره‌ای که این هنر در آن به اوج و شکوفایی رسید، ذکری نرفته است.

۲.۴ کارگاه‌های صنایع دستی در ایران

در مقدمه این بخش نویسنده بیان کرده است که قصد دارد کارگاه‌های سازمان‌یافته‌ای را بررسی کند که هدف آن‌ها آموزش هنرهای سنتی است. او در این بخش یازده کارگاه را در پنج گروه معرفی کرده است: ۱. کارگاه بافته‌های داری، ۲. کارگاه هنرهای چوبی، ۳. کارگاه هنرهای فلزی، ۴. کارگاه سفال‌گری، و ۵. کارگاه شیشه‌گری. نویسنده در معرفی کارگاه‌ها به تصویرهای محدودی از آن‌ها بسنده کرده و در موارد بسیاری علاوه بر ایرادهای شکلی که پیش‌تر نیز اشاره شد، کاستی‌های محتوایی نیز دارد که به‌اجمال عبارت‌اند از:

در صفحه ۷۱ و ۷۲ تصویرهای ۱۶ و ۱۷ فردی در حال معرق‌کاری است که در زیرنویس هر دو تصویر میز معرق‌کاری ذکر شده است. در صفحه ۷۲ تصویر ۱۸ یک اثر معرق‌کاری مشاهده می‌شود که در زیرنویس آن نصب طرح روی چوب به‌اشتباه ذکر شده است. در صفحه ۷۳ تصویر ۱۹ یک اثر معرق — مشبک مشاهده می‌شود، که در زیرنویس آن به‌اشتباه مراحل معرق‌کاری برش معرق از روی قالب ذکر شده است. در صفحه ۸۷ تصویر ۲۹ بخشی از یک فرش نمایش داده شده و در زیرنویس آن به‌اشتباه نحوه کار با مغار در مثبت‌کاری ذکر شده است. در صفحه ۷۹ تصویر ۳۲ مربوط به اثر نیمه‌تمام مثبت‌کاری و طرح خطی که مثبت‌کار از روی این طرح کار مثبت را انجام می‌دهد مشاهده می‌شود؛ درحالی‌که در زیرنویس این تصویر به‌اشتباه پیاده‌کردن طرح از روی جلد روی چوب ذکر شده است. صفحه ۸۳ تصویرهای ۳۹ و ۴۰ مربوط به کارگاه معرق‌کاری است که علاوه بر ذکر این عنوان، مثبت‌کاری و کنده‌کاری روی چوب نیز به‌اشتباه ذکر شده است. در صفحه ۸۴ زیرنویس تصویرهای ۴۱ و ۴۲ به‌ترتیب مربوط به اثر خاتم‌کاری و مواد اولیه آن است که عنوان آن به‌اشتباه کارگاه، میز، و ابزار خاتم‌کاری ذکر شده است. در زیرنویس تصویر ۴۴ در صفحه ۸۵ فردی در حال ساخت خاتم (به‌طور مشخص خاتم‌پیچی) است که به‌اشتباه از آن با عنوان مراحل خاتم‌کاری ساخت مفتول^۱ یاد شده است.

هم‌چنین، در شکل بعدی (شکل ۴۵) عنوان ساخت مفتول در رنگ‌های مختلف ذکر شده که چنین عنوانی برای تصویر صحیح نیست. در این تصویر نیز مانند تصویر قبل فردی در حال ساخت خاتم است. تصویر ۴۸ در صفحه ۸۷ مربوط به گل خاتم است که در زیرنویس آن به‌اشتباه نمونه مفتول‌شده برای خاتم‌کاری ذکر شده است. اصطلاح «مفتول‌شده» در خاتم‌کاری صحیح نیست. در تصویرهای ۵۶، ۵۷، و ۵۸ برش خاتم نشان داده شده که از آن به‌اشتباه با عنوان مراحل پرداخت خاتم یاد شده است. کارگاه‌های دیگری

که در تصویر شرح داده شده‌اند شامل کارگاه سازسازی، قلم‌زنی، سفال‌گری، و شیشه‌گری است که در دو عنوان آخر تصویرها بسیار محدود است.

۳.۴ لیست مصوب رشته‌های صنایع دستی ایران

در ادامه مباحث کتاب، جدول رشته‌های مصوب صنایع دستی آمده که در آن اسامی هجده گروه صنایع دستی به‌همراه زیرمجموعه‌ها ارائه شده است. در قسمت بالای هر جدول نام گروه آمده است و در زیر آن اشاره شده که این گروه شامل چند رشته و زیرمجموعه است. هم‌چنین، در زیرنویس جدول‌ها آمده که برای اطلاعات بیشتر می‌توان به سازمان میراث فرهنگی ایران مراجعه کرد. چنان‌که در مباحث قبلی به روش‌های صحیح ارجاع‌دهی اشاره شد، در این‌جا متذکر می‌شویم که برای رفرنس جدول‌ها روش مناسبی در نظر گرفته نشده است. از موارد پراهمیت در نقد محتوایی جدول‌ها، به‌کارنگرفتن و توجه‌نکردن به لیست‌های پیشین و موارد منتشرشده مشابه است. مثلاً، حصیربافی در زیرمجموعه هنرهای مرتبط با چوب است (فناپی ۱۳۸۷). گروه ۹ با عنوان صنایع دستی چوبی و حصیری در نظر گرفته شده و بسیاری از زیرمجموعه‌ها مانند خاتم‌چسبانی در آن ذکر نشده است. در موارد دیگر بسیاری از زیرمجموعه‌ها مانند نقره‌دوزی، منجوق‌دوزی، و پولک‌دوزی در گروه رودوزی‌های سنتی و صنایع دستی کاغذی با سه رشته کاغذبری، پایه‌ماشه، و صحافی سنتی ذکر شده است که برای نمونه، صحافی و جلدسازی سنتی یک گروه جدا با زیرمجموعه‌هایی شامل تجلید نسخه، جلد چوبی، جلد مقوایی، جلد چرمی، جلد پارچه‌ای، جلد کاغذی، و جلد فرنگی در نظر گرفته می‌شود (همان).

۴.۴ جغرافیای صنایع دستی ایران

جغرافیای صنایع دستی ایران بحث دیگری در این کتاب است که اطلاعات آن از «مجموعه سیمای صنایع دستی استان‌های ایران در چهارمین نمایشگاه بزرگ سراسری صنایع دستی کشور در شهریور سال ۱۳۷۹»، که در شهر همدان برگزار شد، به‌دست آمده است. در این بخش جدول‌هایی مشتمل بر ردیف، انواع صنایع دستی، استان (شهر)، مواد اولیه، و ابزار در سی رشته مشاهده می‌شود.

در جدول‌هایی که در این بخش آمده به سیمای استانی خاتم‌سازی در شهرهای اصفهان و چهارمحال و بختیاری اشاره شده است. شهر شیراز از جمله شهرهای پررونق در

خاتم‌کاری است که در این جا به آن اشاره نشده است. هم‌چنین، در بخش مواد اولیه و ابزار به ورق کامپکت، مفتول برنجی، سیلر، کیلر، پلی‌استر، تخته سه‌لایه، چسب چوب، میخ، سنباده، استخوان شتر، و برنج اشاره شده است؛ علاوه بر آن که در مواد اولیه و ابزار تفاوتی مدنظر نبوده، موارد اشاره شده صحت محتوایی ندارند. براساس آنچه در کتاب *آشنایی با صنایع دستی ایران* آمده است، نه تنها ورق کامپکت از جمله مواد اولیه در خاتم‌سازی نیست، بلکه هیچ کاربردی در ساخت خاتم ندارد (آشوری ۱۳۸۴). در خاتم‌سازی از آلیاژ برنج به صورت رشته‌های مثلثی (مفتول) استفاده می‌شود و آوردن نام برنج به تنهایی صحیح نیست. نخ و چسب هر دو از وسایل و مواد اولیه خاتم‌سازی است و اهمیت آن‌ها یکسان است و در این بحث فقط به چسب اشاره شده است. در بخش ابزار نیز اژه عمودبر دریل، سنباده برقی، گیره، و اژه دستگاه برش آورده شده است. در ابزارهای خاتم‌کاری و نجاری اژه عمودبر دریل وجود ندارد؛ ضمن آن که با در نظر گرفتن دو ابزار با شکل صحیح «اژه عمودبر» و «دریل» می‌توان اشاره کرد که این دو ابزاری است که بیش تر برای بخش نجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. «سوهان» مهم‌ترین ابزار در خاتم‌کاری است، ولی اشاره‌ای به آن نشده است. هم‌چنین، ابزار مهم دیگری که در جدول ابزار به آن اشاره نشده، «تخته رند» یا «تنگ» است که در خاتم‌سازی کاربرد بسیار دارد و برای سائیدن و یک‌دست کردن مواد اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵.۴. ضمیمه و فهرست منابع

در مبحث ضمیمه به ۲۹ کارگاه فنی و هنری در شهر تهران که منبع آن کتاب‌شناسی و *راهنمای صنایع دستی* است که در سال ۱۳۶۹ منتشر شده است. برخی از کارگاه‌های نام‌برده شده در زمان نوشتن کتاب تعطیل بودند و نویسنده به آن توجه نکرده است. در فهرست منابع الگوی مشخصی در نظر گرفته نشده است. منابع لاتین لابه‌لای دیگر منابع آمده است. برای برخی منابع علاوه بر نام نویسنده و عنوان کتاب سال انتشار در نظر گرفته شده و برای برخی نیز سال انتشار در نظر گرفته نشده است.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب *آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران* با هدف معرفی صنایع دستی و کارگاه‌های آن به نگارش درآمده است. این اثر نیز مانند بسیاری از منابع منتشر شده اشکال‌هایی در محتوای

نظری و علمی دارد که در این پژوهش به آن اشاره شد. در این کتاب توصیف و تفسیر برخی از انواع صنایع دستی ضعف محتوایی دارد. علاوه بر محتوا، کتاب ساختار شکلی ضعیفی دارد که به نظر می‌رسد بهتر است برای استفاده بهتر و بیش‌تر از این کتاب نقایص آن رفع شود. ضمن ارج نهادن به تلاش نویسنده دو اصل مهم مبنی بر ضرورت به‌روزرسانی اطلاعات در زمان نگارش کتاب و رفرنس‌دهی که هیچ‌گاه نباید از دید نویسنده مغفول بماند، در این کتاب با کاستی‌هایی مواجه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. شاید بتوان گفت که کم‌ایرادترین طبقه‌بندی هنرهای سنتی یا صنایع دستی مربوط به پژوهشکده هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری یا معاونت صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی و گردشگری است که نویسنده ملزم به استفاده از آخرین ویراست آن بوده، ولی از متن کتاب چنین مستفاد نمی‌گردد.
۲. در زیرنویس تمامی تصویرها از واژه «شکل» به جای واژه «تصویر» استفاده شده است.
۳. بهتر آن بود که از عنوان «کارگاه خاتم‌کاری» به جای «خاتم» برای جلوگیری از خلط مبحث استفاده شود.
۴. طبقه‌بندی هنرهای صناعی، گروه هنرهای سنتی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ویرایش هشتم، ۱۳۹۶.
۵. تسلیمی و دیگران ۱۳۸۶: ۸۵
۶. البته شکل صحیح‌تر این دسته‌بندی شامل دستی، داری، و دستگاهی است (همان).
۷. نگارنده این مقاله از اعضای شوراهای استانداردنویسی در مراکز نام‌برده است.
۸. آلیاژ یا در اصطلاح خاتم‌سازی مفتول یکی از مواد اولیه در ساخت خاتم است. ساخت آن با دستگاه صورت می‌گیرد و در نهایت، خاتم‌ساز آن را پرداخت می‌کند و در ساخت خاتم از آن استفاده می‌نماید.

کتاب‌نامه

- آشوری، محمدتقی (۱۳۸۴)، *آشنایی با صنایع دستی ایران ۱*، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- بارنت، سیلوان (۱۳۹۱)، *راهنمای تحقیق و نگارش در هنر*، ترجمه بتی آواکیان، تهران: سمت.

نقد کتاب آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران (سمیرا عرب و سیدعبدالمجید شریف‌زاده) ۲۲۵

تسلیمی، نصرالله و دیگران (۱۳۸۶)، آشنایی با صنایع دستی ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

حسن‌بیگی، محمدرضا (۱۳۶۵)، مروری بر صنایع دستی ایران، تهران: ققنوس.

حسن‌زاده، رمضان (۱۳۹۲)، مقاله‌نویسی در علوم رفتاری، تهران: ویرایش.

رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، فصل‌نامه سخن سمت، ش ۲۱.

عرب، سمیرا (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی زیباشناسی نقوش خاتم‌کاری دوره صفوی و قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

فناپی، زهرا (۱۳۸۷)، سیری در صنایع دستی ایران، اصفهان: ارغوان / هشت‌بهشت.

قریب‌پور شهریاری، نازنین، ابوالقاسم دادور، و فرناز عرب‌نیا (۱۳۹۴)، جستاری در سنت و مدرنیسم و تأثیر آن بر صنایع دستی، تهران: مرکب سفید و دانشگاه الزهرا.

مصطفوی، فریبا (۱۳۹۵)، آشنایی با کارگاه‌های صنایع دستی ایران، تهران: مهر نوروز.

یاوری، حسین و فاطمه عرفانی (۱۳۹۲)، هنرهای سنتی ایران در یک نگاه، تهران: آذر.

Arab, Samira (2015), *A Comparative Study of Aesthetics of Safavid and Qajar Periodic Designs*, MA under the guidance of Dr. Gholam Ali Hatam, Faculty of Art and Architecture, Tehran Center.

Ashouri, Mohammad Taghi (2005), *Introduction to Iranian Crafts (1)*, Tehran: Iranian Textbooks Publishing Company.

Barnett, Silvan (2012), *Research Guide on Writing in Art*, Betty Avakian Cashmere, Tehran: Position.

Fanaei, Zahra (2008), *A Survey of Iranian Crafts*, Isfahan: Purple/ Eight Paradise.

Hassan Beigi, Mohammad Reza (1365), *A Review of Iranian Crafts*, Tehran: Phoenix.

Hassanzadeh, Ramazan (2013), *Journal of Behavioral Sciences*, Tehran: Edited.

Mostafavi, Fariba (2016), *Introduction to Iranian Crafts Workshops*, Tehran: Mehr Norouz.

Rezi, Ahmad (2009), "Evaluation and Criteria of Academic Textbooks", *Speech Quarterly*, vol. 21.

Taslimi, Nasrollah et al. (2007), *Introduction to Iranian Crafts*, Tehran: Iranian Textbooks Publishing Company.

Yavari, Hossein and Fatemeh Erfani (2013), *Iranian Traditional Arts at a Glance*, Tehran: Azar.